

۱۷ دسمبر، روزی که ملالی جویا شجاعانه خواستار

محاكمه جنایت کاران شد!

جناب داکتر سید عبدالله کاظم در سالهای اخیر، کتاب بسیار ارزشمندی در مورد زنان افغان، تحت عنوان "زنان افغان زیر فشار عنعنہ و تجدد" تالیف و نشر کرده که از نظر اطلاعات تاریخی، سیاسی و اجتماعی بسیار غنی است. داشتن خواندن این اثر گرانبها را برای همه افغانان باسواد و بخصوص زنان کشور توصیه میکنم. من بحث مفصل و دقیق بر آن را بوقت دیگری موكول میکنم، مگر در اینجا عجالتاً بريك مطلب بسیار جالب آن (نقش زنان در لويه جرگه قانون اساسی) مکت کوتاهی دارم که مؤلف به ارتباط آن چنین مینویسد: "در نظر بود لويه جرگه قانون اساسی در ماه عقرب (۳ نومبر) به ۱۳۸۲ (اکتوبر ۲۰۰۳) دایر شود، ولی نظریه مشکلات متعدد تدویر آن به ماه قوس به تعویق افتاد. مسوده قانون اساسی نیز که باید دو ماه قبل از تدویر لويه جرگه به اطلاع عامه رسانده میشد، بالاخره بتاريخ ۱۳ عقرب (۳ نومبر) به نشر رسید. رئیس دولت (حکومت) انتخابی طی فرمان مورخ ۲۲ سرطان ۱۳۸۱ (۱۳ جولای ۲۰۰۳) طرز اجراءات و چگونگی انتخاب وکلای لويه جرگه را تعیین کرد که بر طبق آن لويه جرگه دارای ۵۰۰ عضو بود: از جمله ۴۵۰ نفر به انتخاب مردم و ۵۰ نفر به انتصاب رئیس دولت که نصف آن (۲۵ نفر) باید زنان باشند. از جمله اعضای انتخابی به تعداد ۳۴۴ نفر از بین پانزده هزار نمایندگان ولسوالیها که در جریان لويه جرگه اضطراری توسط مردم معرفی شده بودند. بر طبق سهمیه هر ولسوالی از بین خودشان انتخاب و به حیث وکیل باید معرفی شوند. همچنان ۴۲ نفر از بین کوچیها، مهاجرین افغانی در ایران و پاکستان و بیجا شدگان داخلی به عین روش انتخاب کردند که باید از مجموع وکلای انتخابی ۱۵ فیصد آن زنان باشند. علاوه به تعداد ۶۲ تن زن از ۳۳ ولایت کشور از طرف زنان برگزیده شوند تا در لويه جرگه از زنان ولایات نمایندگی کنند. تنها در مراکز شهرها که دارای نواحی مستقل اند (شهر کابل، جلال آباد، هرات، بامیان، قندز، مزار شریف، قندهار و گردیز)، وکلا با رأی گیری آزاد و مستقیم انتخاب شدند. بر طبق همین فرمان کلیه اعضای حکومت اعم از اعضای کابینه، ستره محکمه، کمیسیونهای تسوید و تدقیق، والیها و اراکین اردو و پولیس میتوانستند به حیث ناظر در لويه جرگه اشتراک نمایند، ولی حق رأی نداشتند.

لويه جرگه قانون اساسی بروز یکشنبه تاریخ ۲۵ قوس ۱۳۸۲ (۱۴ دسمبر ۲۰۰۳) با بیانیه اعلیحضرت پادشاه سابق که در لويه جرگه اضطراری رسماً به "بابای ملت" ملقب شده بودند، در ساحه پولی تخنیک کابل زیر همان خیمه بزرگ افتتاح گردید و مجلس حضرت صبغت الله مجددی را از بین چهار کاندید با اکثریت آراء (۵۲ فیصد) به حیث رئیس لويه جرگه انتخاب کرد.

روز بعد ۱۶ نفر برای سه مقام معاونیت جرگه کاندید شدند که چهار نفر آنان زنان بودند: جمیله مجاهد، ثریا پرلیکا، صفیه صدیقی و فاطمه گیلانی که هیچیک نتوانست رای بیشتری را حاصل کند، ولی در اثر اصرار یکی از وکلای زن مبنی بر اینکه یک معاون باید زن باشد، صفیه صدیقی که در بین زنان بیشترین رای را گرفته بود، به حیث معاون چهارم لويه جرگه تعیین گردید. جمیله مجاهد و فاطمه گیلانی، بعد از آنکه ثریا پرلیکا به نفع آنها از حق خود گذشت به حیث دومنشی مجلس پذیرفته شدند که منشی سوم عبدالحق شفق بود. بعداً حضرت صبغت الله مجددی رئیس لويه جرگه صفیه صدیقی را به حیث نطق جرگه نیز تعیین کرد. ("زنان افغان زیر فشار عنعنہ و تجدد، ص ۲۵ ببعد)

گزارش روز چهارم لويه جرگه :

گزارش روز چهارم (۲۸ قوس = ۱۷ دسمبر) که غوغا برپا کرد و مجلس را به تشنج بی سابقه کشانید، یکی از گزارشهای دلچسپ و بسیار پراهمیت لويه جرگه بود که اینک به شرح آن مطابق روایت کتاب "زنان افغان زیر فشار عنعنہ و تجدد" پرداخته میشود:

"در روز سوم اجلاس (۲۷ قوس) که مباحثات عمومی آغاز شد، اولین معضله همانا طرز العمل کار لويه جرگه بود که قبلاً توسط فرمان کرزی رسمیت یافته بود. یک عده وکلا اعتراض داشتند که طرز العمل را باید جرگه تعیین کند و حامد کرزی صلاحیت این کار را ندارد. در زیر پرده هدف آن بود تا زمینه بحث روی نظام دولت را که آیا بر طبق مسوده "ریاستی" باشد و یا بزعم برخی دیگر "پارلمانی" مطرح سازند. حکومت انتقالی و طرفداران آن از نظام ریاستی که رئیس جمهور در عین زمان رئیس حکومت نیز باشد حمایت میکردند. در حالی که گروه مخالف اصرار داشتند که رئیس جمهور در رأس سه قوه قرار داشته و قوه اجرائیه یعنی حکومت توسط صدراعظم که از طریق اکثریت پارلمانی

تبارز میکند، تمثیل گردد. این موضوع اعضای جرگه را بدو گروپ تقسیم کرد که در نهایت یکنوع تقسیم قومی وزبانی در آن محسوس و مشهود بود.

جر و بحث های روز سوم چنان شدید و متشنج بود که یک عده وکلا را متاثر ساخت. بهرحال موضوع دومی بحث در باره طرز العمل پیشنهادی حکومت در ارتباط با مسوده مطروحه بود. نمایندگان بعد از جنجال زیاد قبول کردند که مسوده پیشنهادی حکومت را اساس کار قرار دهند. اینکه چگونه روی مواد مسوده بحث صورت گیرد، آیا بطورکل دریک مجمع بزرگ و یا نخست در گروپهای کوچکتر ۵۰ نفری و بعداً آنچه مورد مناقشه باشد، در اجلاس عمومی مطرح گردد. توافق برآن شد تا وکلا به ده گروپ تقسیم شوند و هرگروپ مسوده را مورد غور قرار دهد و آنچه مورد اختلاف آنها باشد، همه بیک کمیته یازدهم که متشکل از روسای کمیته ها است، رویت داده شود و هرآنچه در این کمیته مورد موافقت قرار نگیرد. در مجلس عمومی مطرح بحث گردد. خلاصه کمیته ها تشکیل شدند و تصادفاً در راس اکثر کمیته ها رؤسای تنظیمهای جهادی سابق بشکلی انتخاب و یا بزعم برخی انتصاب شدند.

جروبحث های شدیدالحن بین موافقان و مخالفان مسوده، یک عده وکلا را ناراحت ساخت و وضع روبه بی نظمی گذاشت، تا آنکه **مسئوره ستانکزی**، وکیل منتخب مهاجرین افغان در ایران به پا خاست و با تضرع وکلا را مخاطب قرار داده به پشتو چنین گفت: " ما اگر زن هم هستیم، اینقدر احساس داریم. شما میخواهید خون بیشتر بریزید و من با این سرسفید مهاجر باقی بمانم. چه میخواهید؟ به لحاظ خدا، به لحاظ قرآن تمام دنیا متوجه ما استند، مسئولیت این بیوه ها و یتیمها در اردوگاه ها بدوش شما است، اینجا هیچ رقابتی جز رقابت شخصی، رقابت برای مقام و ترس از اینکه در دولت مرکزی آینده به ما مقام و چوکی ندهند، دیگر چیزی وجود ندارد، لعنت به این چوکی و مقام، به خدا چطور جواب خواهید داد، به این جرگه چگونه جواب خواهید گفت. ارزش این جرگه را بدانید." (برگرفته از کست منتشره bbc)



چندلحظه بعد یک خانم جوان ۲۵ ساله، وکیل منتخب مردم ولایت فراه بنام **"ملالی جویا"** پشت مکروفون رفت و با احساسات طغیان آمیز و صدای پرطنین گفت: **" آنهايي که لويه جرگه را نهادکفر الود و معادل فحاشی میخوانند، اینجا می آیند و گپ او مورد قبول واقع میشود و یا کمیته ها را، شمامیبینید بین مردم ما چه زمزمه میشود. رئیس هر کمیته همه پیش از پیش تعیین شده است. چرا همه جنایتکاران را دریک کمیته نمی برید [تا] در آنجا ببینیم که باز ملت را آنها به چه حالت میرسانند؟ (غریو و همهمه حضار توأم با گفت زدنها و عصبیت ها بطور مخلوط). اینها کسانی بودند که کشور ما را محراق جنگهای ملی و بین المللی ساختند. زن ستیزترین ها بودند که جامعه ما را به این حالت رسانیدند... آزموده راباز از مودن خطاست. به نظر من اینها باید محاکمه بین المللی و ملی شوند، اینها ثبت تاریخ کشور ما استند.... (برگرفته از کست مستند ویدیوی مجلس)**

هنوز سخنان ملالی جویا خاتمه نیافته بود که وضع برهم خورد، خشم یکعده با ستایش عده دیگر چنان در فضا پیچید که هیچیک حرف دیگری را نمی شنید. هیئت رئیس هرچه وکلا را به آرامش و نشستن بجای شان توصیه کرد، اثر نبخشید. رئیس مجلس (صبغت الله مجددی)، ملالی جویا را مخاطب قرار داده گفت: **" همشیره! ما تاحال گفتیم، سخنی که زده میشود همه در چوکات ادب و اخلاق باشد، به کسی تعرض نشود و اگر شکایتی باشد، نوشته کنید به منشیها بدهید، منشیها آنرا بیاورند و ما باز خواست میکنیم." اما این سخنان تشنج را تقلیل نداد. مجددی ادامه داد: " خیر است اگر یک همشیره چند سخنی گفت تحمل کنید!"**



صبغت الله مجددی وضع روبه وخامت رفت و همه از جا های خود بلند شدند و صداهای او ج گرفت. مجددی با عصبیت تمام داد زد: **" برادرها! بجای تان بنشینید. این وظیفه ماست." صغیه صدیقی معاون لویه جرگه فریاد کرد: متوجه باشید که این [صداهای] در تمام دنیا پخش میشود." در همین اثنا صدای مجددی شنیده شد که ملالی را **"کافر، کمونیست و تحریک شده"** خواند و در ادامه گفت: **" همشیره عجب کاری کردی، همه را به تور آوردی، همینطور یک سخن کس میزند که به همه بر بخورد و همه متاثر شوند، بسیار غلط کردی!"****

در این جا احتمال حمله بر ملالی جویا بیشتر شد و قوای امنیتی در داخل خیمه حضور داشت و رئیس مجلس امر خروج ملالی جویا را از مجلس داد، ولی ملالی مقاومت کرد و از جایش بر نخاست. در این موقع عبدالرب رسول سیاف، رئیس تنظیم اتحاد اسلامی پیا خاست و نخست همه را به آرامش و سکوت دعوت کرد و بعد به اجازه رئیس مجلس ده دقیقه سخنرانی نمود و گفت: **" برادرها ما در اینجا برای یک هدف بزرگ و مقدس جمع شده ایم... باید صحبت های ما و شما در فضای برادری، دوستی و صمیمیت و در یک فضای آرام باشد. من یقین دارم که ممکن است یک تعداد مردم بخواهند که این مجلس ناکام شود. ناکامی این مجلس ناکامی کل ملت است." او بعد از ذکر خدمات مجاهدین هنگام استیلاي شوروی گفت: " همین مجاهدین که دو میلیون شهید دادند در راه ملک، همینقدر سینه فراخ داشتند. همینقدر همت داشتند که وقتی پس آمدند یک تن از مزدوران روس را در اینجا بدار نیاویختند." (و اما مردم بیچاره و بیگناه را چطور؟ مولف)**

بهرصورت بیانیه سیاف مجلس را نسبتاً آرام ساخت و یک عده مردان وزنان به شفاعت ملالی جویا نزد مجددی رفتند، مجددی اعلام کرد: "برادرها و همشیره ها شفاعت میکنند که دیگر او را ببخشید. دیگر اینکار را نخواهد کرد." تشنج بار دیگر بالا گرفت. مجددی گفت: بخاطر شفاعت برادرها و همشیره ها این بار معاف شد از کشیدن، و اگر یک کلمه دیگر برخلاف مصلحت و یا اعتراض بر سر اشخاص یا ... البته خواهد دید که چه خواهد شد. کسانی که او را تحریک کرده اند، همه میدانند که کی او را تحریک کرده و اینها باید اینقدر عقل می داشتند که باید به سخنان اینها وقعی نمی گذاشتند." (برگرفته از کست ویدئویی مجلس) (همان منبع، صفحات ۵۲۷-۵۲۹)

جناب داکتر عبدالله کاظم، در پایان این گزارش، برخورد رئیس لویه جرگه (صیغت الله مجددی) با ملالی جویا را زیر سوال برده و با انتقاد از برخورد رئیس لویه جرگه، می نویسد: "این بود گزارش روز چهارم لویه جرگه و رویداد تاریخی که هیچگاه در کشور ما نظیر نداشت. عکس العمل ها در درون و بیرون مجلس و همچنان در داخل و خارج کشور بسیار متفاوت بود. ولی اکثریت از ملالی جویا حمایت کردند و جرئت این دختر جوان را در همچو موقع که هیچکس شهادت بیان حقایق را نداشت، ستودند و حتی برای حفظ جان او که مورد تهدید قرار گرفته بود، قوای ایساف مجبور به اقدام گردید. این رویداد نمونه بارز یک جامعه ایست که در نهاد شدیداً محافظه کار و عنعنه گرا، ولی در ظاهر می خواهد مشق تجدد و دموکراسی کند. در غیر آن هرگاه بجای ملالی جویا یک مرد مقتدر این سخنان را میگفت، آیا حضار و رئیس مجلس با همان شیوه تحقیر آمیز با او رفتار میکردند؟ آیا اتهام کفر، و یا کمونیست بودن از طرف رئیس مجلس به ملالی جویا، به مراتب شدیدتر از مطالبی نبود که ملالی بدون گرفتن نام مشخص بطور عام "جنایتکاران" را مخاطب قرار داد؟ آیا این دختر جوان اگر کمونیست بود و یا نبود، حرف نادرست گفته بود که باید مثل یک بچه مکتب مورد سرزنش قرار میگرفت؟ آیا رئیس مجلس با رعایت احترام به حقوق مردم، حق اخراج یک وکیل رسمی و منتخب مردم را از یک مجلس ملی داشت؟ اینها همه سوالاتی بودند که مردم در خارج و داخل از خود می پرسیدند و هیچکس نبود که به آن سوالات پاسخ گوید. مثلی است که آب زور همیشه سربالا می رود." (ص ۵۳۰)

در اینجا می خواهم به دو نکته از این گزارش اشاره کنم:

اول اینکه، آغاز سخنان ملالی جویا در این اقتباس با سخنان وی در سایت کمیته دفاع از ملالی جویا کمی تفاوت دارد. در آن سایت، ملالی جویا سخنانش را با نام خدا و یاد از شهدای گلگون کفن وطن آغاز میکند و از وجود جنایتکاران در آن لویه جرگه تاسف می خورد، در حالی که در این جا، آن جملات دیده نمیشود، شاید در کست ویدئویی مورد استفاده داکتر صاحب کاظم جملات آغازین سخنرانی ملالی جویا ضبط نبوده است. بنابر سایت کمیته دفاع از ملالی جویا، سخنرانی ملالی جویا چنین آغاز میشود: «اسم من ملالی جویا است و از ولایت فراه هستم... به نام خدا و بنام شهدای گلگون کفن راه آزادی وطن می خواهم چند لحظه صحبت کنم. انتقاد من از وطنداران من که اینجا حضور دارند اینست که چرا می گذارند مشروعیت و قانونیت لویه جرگه زیر سوال برود. البته با وجود آن جنایتکارانی که کشور ما را به این حالت رسانده. متأسف هستم، بسیار متأسف هستم به این که او کسی که لویه جرگه را نهاد کفر آلود و معادل فحاشی می خواند، اینجا می آید و گپش قبول میشود و یا کمیته ها را همه شما ببینید که بین مردم چه زمزمه میشود. رئیس هر کمیته پیش از پیش تعیین شده است. چرا همه جنایتکاران را در یک کمیته نمی برید که در آنجا ببینند باز ملت را به چه حالت میرسانند. اینان کسانی بودند که کشور ما را محراق جنگ های ملی و بین المللی ساختند، زن ستیز ترین کسانی بودند در جامعه که کشور ما را به این حالت رسانده اند. آزموده را از مودن خطاست. به نظر من اینها باید محاکمه بین المللی و ملی شوند، اینها را اگر مردم ما ببخشند، مردم پابرهنه افغان، هرگز تاریخ نمی بخشد...»

دوم اینکه، در گزارش جناب داکتر کاظم، به یک نکته بسیار پراهمیت که پرستیژ و حیثیت ملالی جویا را نزد مردم جهان چندین برابر بالا برد و سبب محبوبیت و شهرت جهانی وی گردید، اشاره نمی شده است. و آن اینکه، بعد از سخنرانی سیاف، یکی از قوماندانان جهادی، از داخل تالار لویه جرگه فریاد زد: در صورتیکه ملالی از مجاهدین، عذر بخواد و توبه کند، آنگاه قابل عفو است، در غیر آن مکن نیست مجددی نیز حرف این قوماندان را تائید کرد و از ملالی خواست تا عذر بخواد و سخنانش را پس بگیرد، اما ملالی جویا چون کوهی استوار جواب داد: «من نه توبه میکنم و نه عذر می خواهم. من درد مردم و خواست مردم را بیان کرده ام و بر آن تا سرحد مرگ ایستاده ام.»

این موقف قاطع ملالی جویا، نه تنها یک بار دیگر آتش بجان جنایتکاران جنگی داخل تالار زد، و مجلس را به تشنج کشانید، بلکه صعومد ملالی بر قلعه شهرت جهانی نیز بود و همین نترسیدن از جنایتکاران کف بردن بر سرستیژ لویه جرگه، سبب برانگیختن موج وسیعی پشتیبانی مردم در داخل و خارج افغانستان از وی گردید. اگر ملالی جویا، که در یک قدمی حمله مرگبار جنایتکاران جنگی قرار داشت، از خود شجاعت نشان نمیداد و از گفته اش پشیمان میشد و از جنایتکاران می ترسید و معذرت می خواست و حرفش را پس میگرفت، هرگز در ظرف چند دقیقه راه صد ساله را نمی پیمود و اینچنین به شهرت جهانی نمیرسید و مورد حمایت بیدریغ مردم در داخل و خارج قرار نمی گرفت. هوشیاری

ودر عین حال شهادت ملالی جویا در این برجسته میشود که او باز هم درسنگردفاع ازخواست مردم مظلوم و درد رسیده افغانستان قرارگرفت و بر سر آنچه گفته بود ایستاده شد و همین ایستادگی وی، سبب گردید تا مردم از افشار گوناگون با هر وسیله ممکن و از آن جمله از طریق نوشته ها و مصاحبات و ابراز نظریات خود در رسانه های بین المللی و نیز با تظاهرات در خیابانها از فراه تا بلخ و هرات و جلال آباد و پروان و بغلان و غیره شهرها از وی حمایت کردند.

ملالی جویا با طرح "جنایت کاران باید محاکمه بین المللی و ملی گردند!"، دیواری از تنفر میان مردم و جنایتکاران کشید و مردم را به مخالفت با جنایتکاران بخصوص ائتلاف شمال که یک یار دیگر در مناصب کلیدی حکومت جاگرفته و زندگی را بدتر از دوره طالبان کرده بودند، دعوت نمود. از آنروز بیعد مردم عدالتخواه و حقیقت پسند، به دفاع از ملالی جویا برخاستند و ملالی جویا نیز، از موضع یک زن آزادیخواه و مدافع حقوق زنان و مظلومان، انسانهای عدالت خواه را به تلاش برای آزادی، دموکراسی و تحقق عدالت اجتماعی فرا خوانده و بر این خط فکری حرکت کرده است. همین موضعگیری اش سبب شد تا در سال ۲۰۰۵ به عنوان وکیل منتخب مردم فراه به پارلمان راه یابد و همین موضع گیری اش سبب توطئه جنایتکاران جنگی برای تعلیق او از پارلمان نیز گردید، ولی او از مبارزه برضد مجرمین جنگی و ناقضین حقوق بشر و حقوق زنان تا کنون یک سرموی هم عقب ننشسته است.

بخاطر همین مبارزات جانباخته اش هست که "نوام چامسکی Noam Chomsky" نویسنده و متفکر و نظریه پرداز برجسته و منتقد سیاست های آمریکا در افغانستان، به مبارزات ملالی جویا اهمیت قایل شده و در مقاله بی انتقادی در مورد اعطای جایزه نوبل به بارک اوباما، ملالی جویا را بجای او مستحق جایزه صلح نوبل، دانسته است. و البته که حمایت چنین نویسنده بی معروف برای ملالی جویا، افتخار بزرگی بشمار میرود.

بدون تردید اگر در افغانستان یک حکومت ملی و مردمی رویکار می بود، حتماً از این زن شجاع و مبارز سربکف تقدیر بعمل می آورد و بنامش مدال افتخار و شجاعت ضرب میزد و این مدال را با امتیازات نقدی همراه میساخت و آن را هر سال در روز هشتم مارچ (روز جهانی تجلیل از زنان)، به زنان و دختران و مادران دلیر کشور اهدا مینمود تا مایه تشویق زنان کشور ما میشد. سرگذشت پراز درد ورنج اما مشحون از پایداری و استقامت و دلیری ملالی جویا می باید به حیث درس های تاریخی در نصاب های تعلیمی شاگردان مکاتب و لیسه ها شامل گردد تا فرزندان وطن، قهرمانان واقعی خود را بشناسند و بنام و نشان آنها افتخار نمایند و در تکامل شخصیت خویش از آنها الهام بگیرند و آنها را سرمشق زندگی خود قرار بدهند.

باید روز ۱۷ دسمبر، به عنوان روز همبستگی با ملالی جویا و همصدا شدن با مادران داغ دیده افغان برضد جنایتکاران بخاطر تحقق عدالت انتقالی و به محاکمه سپردن مجرمین جنگی در افغانستان، هر سال از سوی سازمانهای سیاسی و نهادهای مدافع حقوق بشر تجلیل گردد و زنان و مردان عدالت خواه با پراه انداختن اکسیونهای اعتراضی برضد جنگسالاران به خیابانها برآیند و صدای خود را به گوش مجامع عدلی بین المللی برسانند.

پایان ۱۷ / ۱۲ / ۲۰۰۹